



نرگس اکبرپور روشن

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

معافیت‌ها و کاهش نرخ مؤثر حق بیمه

معافیت‌های بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی برای ۲۶ گروه مختلف در ایران جریان دارد و این سیاست‌ها در طول زمان به یک انتظار برای گروه‌های مشمول تبدیل شده است. این معافیت‌ها در شرایطی که تورم و هزینه‌های زندگی بالا است، فشار مضاعفی بر منابع سازمان وارد می‌کند و اصلاح آن‌ها با دشواری همراه است. از یک سو، اصلاح معافیت‌ها می‌تواند بار مالی مردم را افزایش دهد و از سوی دیگر، تداوم آن‌ها، فشار بر تأمین اجتماعی را بیشتر می‌کند. وجود این معافیت‌ها هزینه‌های قابل توجهی برای بخش تعهدات تأمین اجتماعی ایجاد کرده است. با این حال، برخی از آن‌ها در شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص، کارایی و اثر مثبت نیز داشته‌اند؛ اما بسیاری از این معافیت‌ها من غیرحق بوده و به سازمان آسیب زده‌اند. نمونه بارز آن، معافیت کارگاه‌های

تاپنج نفر بیمه‌پرداز است که پیش از برنامه هفتم توسعه عملاً دائمی شده بود. این وضعیت باعث شده برخی بنگاه‌ها از رشد و توسعه خود جلوگیری کنند تا همچنان از معافیت بهره‌مند بمانند، موضوعی که اثرات منفی آن زمانی آشکار می‌شود که دولت نتواند تعهدات مالی خود را به تأمین اجتماعی پرداخت کند. کسری بودجه دولت و محدودیت در پرداخت هزینه‌های جاری، باعث شده سازمان نتواند انتظار داشته باشد که دولت هزینه‌های سالانه این گروه‌ها را بارانهای بپردازد. نتیجه این وضعیت فشار و چالش‌های مستمر بر منابع سازمان است و کاهش کیفیت و عمق پرداخت‌های بیمه‌ای را به دنبال دارد. نرخ مؤثر حق بیمه دریافتی از سوی سازمان کمتر از حداقل معمول است و عملکرد جمع‌آوری حق بیمه با نرخ تعیین شده همخوانی ندارد. رفع معافیت‌ها می‌تواند نرخ مؤثر حق بیمه را افزایش دهد، اما این اقدام پیامدهای اجتماعی دارد.

برخی افراد واقعاً نیازمند معافیت هستند و در غیاب سازوکار شناسایی دقیق، برخی گروه‌ها از جمله کارگران ساختمانی غیرواقعی از این کمک‌ها سوءاستفاده می‌کنند، در حالی که افراد واجد شرایط از آن محروم می‌مانند. بنابراین، سیاست‌گذاری بدون سیستم شناسایی مؤثر، به بی‌عدالتی و کاهش کارایی سیستم بیمه‌ای منجر می‌شود.

راهکار پیشنهادی این است که دولت تعهدات مالی خود را به رسمیت بشناسد و فرایند مشخص و قاعده‌مندی برای تعامل با تأمین اجتماعی ایجاد کند. پرداخت سالانه بودجه برای پوشش کسری منابع سازمان، می‌تواند فشار مالی بر تأمین اجتماعی را کاهش دهد و از سوءاستفاده‌های من غیرحق جلوگیری کند. در غیر این صورت، مسئولیت تأمین منابع کسری بودجه به سازمان واگذار شده و معافیت‌ها به جای کمک، تبدیل به بار و محدودیت برای توسعه بنگاه‌ها و افزایش منابع بیمه‌ای می‌شوند.

در نهایت، معافیت‌های بیمه‌ای که بدون سازوکار شناسایی و مدیریت مناسب اعمال شده‌اند، آسیب‌های جدی به تأمین اجتماعی وارد کرده و عمق پرداخت‌های بیمه‌ای را کاهش داده است.

مهناز بیرانوند

روزنامه نگار

۶۶

کاهش تعداد شاغلان

بیمه‌پرداز و

افزایش فرار

بیمه‌ای باعث

کاهش منابع

صندوق‌های

بیمه‌ای و فشار

مالی مضاعف

بر بازنشستگان

و شاغلان

می‌شود، در

حالی که حفظ

ثبات ضریب

پشتیبانی

نیازمند

اشتغال پایدار،

اصلاحات

ساختاری

و توسعه

بیمه‌پردازی در

کل کشور است

دستمزد واقعی، حق بیمه خود را کامل پرداخت نمی‌کنند. این وضعیت با طولانی شدن عدم پرداخت حق بیمه از سوی برخی بنگاه‌ها و تعهدات دولت به تأمین اجتماعی، به حجم مطالبات انباشته شده این سازمان افزوده است. اگر دستمزد واقعی مبنای قرار گیرد، شاید کاهش ضریب پشتیبانی شدیدتر هم دیده شود.

ریشه‌های اشتغال ناپایدار

از سوی دیگر، کاهش اشتغال پایدار عامل مهمی در تضعیف صندوق‌هاست. رکود اقتصادی، تعطیلی یا ناکارآمدی بنگاه‌های تولیدی، افزایش مشاغل غیررسمی و فرار بیمه‌ای، سالمندی جمعیت و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت برای ایجاد فرصت‌های شغلی مولد، همگی فشار بر نسبت پشتیبانی را تشدید می‌کنند.

عابدی‌روش معتقد است در نبود نگاه سرمایه‌گذاری به بیمه و تأثیر رکود بر بنگاه‌ها، گریز بیمه‌ای شاغلان افزایش می‌یابد و ورودی منابع به صندوق‌ها کاهش می‌یابد. به همین دلیل، تأمین اجتماعی که بزرگ‌ترین نهاد بیمه‌ای شاغلان کشور است، بیش از هر صندوق دیگری به وضعیت بازار کار و اشتغال پایدار وابسته است. او تأکید می‌کند: «اشتغال پایدار مسئله‌ای ملی است و دولت باید راهبری بخش خصوصی را برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار هدایت کند.»

اشتغال اتباع و اثر آن بر بیمه

در سال‌های گذشته، بخش قابل توجهی از بازار کار کشور در اختیار اتباع خارجی، به ویژه شهروندان افغانستان، قرار داشته است. بسیاری از این افراد به دلیل ورود غیررسمی و وضعیت قانونی نامشخص، از پوشش بیمه‌ای محروم بوده‌اند. کارشناسان بیمه‌های اجتماعی می‌گویند این شرایط باعث شده بخشی از کارفرمایان برای کاهش هزینه‌ها، فرار بیمه‌ای را جایگزین بیمه‌پردازی کنند. نتیجه آن کاهش سهم نیروی کار داخلی در بازار کار و افت ورودی منابع بیمه‌ای است.

عابدی‌روش، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، به آینه‌نو می‌گوید: «اشتغال گسترده اتباع خارجی و عدم بیمه‌پردازی بخش زیادی از آنان، کاهش ورودی منابع بیمه‌ای و افت ضریب پشتیبانی سازمان تأمین اجتماعی را به دنبال دارد.» او معتقد است جایگزینی نیروی کار ایرانی در این بخش و بیمه‌پردازی رسمی آنان می‌تواند منابع سازمان را افزایش دهد و نسبت پشتیبانی را بهبود بخشد.

تصویر امروز: معمای فردا

وضعیت کنونی بازار کار و تأثیر آن بر تأمین اجتماعی، معمای پیچیده‌ای را پیش روی این سازمان قرار داده است. کاهش اشتغال پایدار، نبود تضمین‌های لازم برای پایداری بلندمدت مشاغل، افزایش تعداد بیمه‌نشده‌ها و افت نسبت پشتیبانی، هزینه‌های تعهدات سازمان را افزایش داده است. کارشناسان بر این باورند که تنها با ارتقای داده‌های اشتغال پایدار، اصلاحات بیمه‌ای، افزایش تعداد بیمه‌پردازان و تعادل منابع و مصارف، امکان بازگرداندن ثبات به نسبت پشتیبانی وجود دارد.

به عبارت دیگر، کاهش اشتغال پایدار نه‌تنها امروز، بلکه آینده‌مالی میلیون‌ها شاغل تحت پوشش و بازنشستگان را تهدید می‌کند. نسبت پشتیبانی پایین، اگر همراه با بی‌توجهی به بازار کار رسمی و بیمه‌پردازی مؤثر ادامه یابد، ثبات مالی صندوق‌های بیمه‌ای را به خطر می‌اندازد و فشار مضاعفی بر شاغلان و بازنشستگان وارد می‌کند.

راه‌حل‌های پیش‌رو

کارشناسان پیشنهاد می‌کنند برای حل این مسئله، اقدام در دو سطح ضروری است: سطح دولت و سطح سازمان‌های بیمه‌گر. دولت باید سیاست‌گذاری‌های بلندمدت برای خلق گسترده اشتغال، ارتقای بهره‌وری تولید و نیروی کار، جلوگیری از تحمیل تعهدات بدون پشتوانه منابع و پرهیز از تصویب قوانین تحمیلی خارج از قواعد بیمه‌ای را در دستور کار داشته باشد.

از سوی دیگر، سازمان‌های بیمه‌ای، به ویژه تأمین اجتماعی، باید اصلاحات ساختاری مانند بازنگری سن بازنشستگی، اعمال مشوق‌ها و معافیت‌های بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری بهینه‌داری‌ها، افزایش شفافیت مالی و ارائه گزارش به جامعه بیمه‌شدگان، اصلاح قوانین سخت و زیان‌آور و توسعه پوشش بیمه‌ای از طریق گسترش جامعه بیمه‌شدگان را عملیاتی کنند.



عکس ترنینی

است. با این حال، انباشت مشکلات و ناترازی‌ها که نتیجه دهه‌ها مدیریت منابع و مصارف است، امروز وضعیت نامناسب نسبت پشتیبانی را رقم زده است. کاهش منابع به واسطه بازار کار ناپایدار و روند کاهشی ضریب پشتیبانی، صندوق‌ها را در مواجهه با افزایش تعهدات قرار داده است. با این وجود، انتظار می‌رود این نهادها بدون وقفه، تعهدات بلندمدت خود را اجرا و امنیت مالی میلیون‌ها نفر بیمه‌شده و بازنشسته را تضمین کنند.

تعادل برهم‌خورده منابع

رابطه بیمه‌شدگان و سازمان‌های بیمه‌ای مانند تأمین اجتماعی، فراتر از یک قرارداد ساده است. این رابطه، شبکه‌ای پیچیده از حقوق و تعهدات است که سلامت مالی صندوق‌ها و کیفیت خدمات را تعیین می‌کند. بیمه‌شدگان و کارفرمایان موظف به پرداخت حق بیمه هستند و سازمان‌های بیمه‌ای نیز مسئولیت دارند در برابر این حق بیمه‌ها، خدمات مستمري، درمان و انواع سرویس‌های کوتاه‌مدت را به جامعه تحت پوشش خود ارائه دهند. کاهش ضریب پشتیبانی یا هر اختلال دیگری در شاخص‌های بیمه‌ای و اقتصادی، به هیچ‌وجه بهانه‌ای برای کاهش کیفیت خدمات نیست. تأمین اجتماعی نمونه بارز این رویکرد است؛ حتی زمانی که نسبت پشتیبانی آن به دلیل بی‌ثباتی بازار کار، کاهش تعداد بیمه‌پردازان یا بازنشستگی پیش از موعد کاهش یافته، ارائه خدمات به بازنشستگان و شاغلان متوقف نشده است.

با این حال، انباشت مشکلات و ناترازی‌ها که نتیجه دهه‌ها مدیریت منابع و مصارف است، امروز وضعیت نامناسب نسبت پشتیبانی را رقم زده است. کاهش منابع به واسطه بازار کار ناپایدار و روند کاهشی ضریب پشتیبانی، صندوق‌ها را در مواجهه با افزایش تعهدات قرار داده است. با این وجود، انتظار می‌رود این نهادها بدون وقفه، تعهدات بلندمدت خود را اجرا و امنیت مالی میلیون‌ها نفر بیمه‌شده و بازنشسته را تضمین کنند.

یکی از مسائل اساسی در پایداری صندوق‌های بیمه‌ای، اعلام دستمزد واقعی و بیمه‌پردازی متناسب با آن است. کارشناسان حوزه بیمه می‌گویند بخش قابل توجهی از کارفرمایان برای کاهش سهم بیمه، دستمزد واقعی کارگران را اعلام نمی‌کنند و همین مسأله، فشار بر نسبت پشتیبانی صندوق‌ها را افزایش می‌دهد. غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس تأمین اجتماعی، تأکید می‌کند که حتی برخی بیمه‌شدگان بر اساس

نمونه، ضریب پشتیبانی صندوق بازنشستگی کشوری، دومین نهاد بزرگ بیمه‌ای، کمتر از نیم درصد گزارش شده است. در شرایطی که بازار کار پایدار باشد و اشتغال رشد کند، نسبت پشتیبانی تأمین اجتماعی نیز تثبیت یا بهبود می‌یابد، اما بی‌ثباتی بازار و نبود سیاست‌های مؤثر در ایجاد اشتغال پایدار، زمینه کاهش این نسبت را فراهم می‌کند.

مصطفی سالاری، مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، کاهش ضریب پشتیبانی را ناشی از سنوات ارفاقی، بازنشستگی سخت و زیان‌آور و بازنشستگی پیش از موعد می‌داند. غلامحسین عابدی‌روش، کارشناس بیمه‌های اجتماعی، نیز نبود رشد اقتصادی و کمبود فرصت‌های شغلی پایدار را عامل اصلی کاهش این نسبت معرفی می‌کند و معتقد است هر میزان رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی افزایش یابد، ورودی بیمه‌شدگان به سازمان نیز بیشتر خواهد شد.

علاوه بر این، بازنشستگی‌های پیش از موعد و تعهدات زود هنگام سازمان به بازنشستگان، فشار مضاعفی بر نسبت پشتیبانی وارد می‌کند. کاهش تعداد بیمه‌پردازان در سال‌های متممادی، افزایش مستمری بگیران و ناترازی منابع، معادله پیچیده تأمین اجتماعی را دچار اختلال کرده است. این وضعیت نه‌تنها سلامت مالی صندوق‌ها را تهدید می‌کند، بلکه آینده مالی میلیون‌ها شاغل و بازنشسته را نیز در معرض ریسک قرار می‌دهد.

تعهدات بیمه و وظایف متقابل

رابطه بیمه‌شدگان و سازمان‌های بیمه‌ای مانند تأمین اجتماعی، فراتر از یک قرارداد ساده است؛ این رابطه، شبکه‌ای پیچیده از حقوق و تعهدات است که سلامت مالی صندوق‌ها و کیفیت خدمات را تعیین می‌کند. بیمه‌شدگان و کارفرمایان موظف به پرداخت حق بیمه هستند و سازمان‌های بیمه‌ای نیز مسئولیت دارند در برابر همین حق بیمه‌ها، خدمات مستمري، درمان و انواع سرویس‌های کوتاه‌مدت را به جامعه تحت پوشش ارائه کنند.

کاهش ضریب پشتیبانی یا هر اختلال دیگری در شاخص‌های بیمه‌ای و اقتصادی، به هیچ‌وجه بهانه‌ای برای کاهش کیفیت خدمات نیست. تأمین اجتماعی نمونه بارز این رویکرد است؛ حتی زمانی که نسبت پشتیبانی آن به دلیل بی‌ثباتی بازار کار، کاهش تعداد بیمه‌پردازان یا بازنشستگی پیش از موعد کاهش یافته، ارائه خدمات به بازنشستگان و شاغلان متوقف نشده

ضریب پشتیبانی، همان نسبت میان افرادی است که بیمه می‌پردازند و اشخاصی که حقوق یا مستمری دریافت می‌کنند، و نشان می‌دهد صندوق‌ها تا چه میزان تعادل دارند. هر رشد یا رکود اقتصادی، هر افزایش یا کاهش فرصت شغلی، به طور مستقیم این نسبت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی اشتغال پایدار زیاد شود، ضریب پشتیبانی بهبود می‌یابد و بیمه‌ها قوی‌تر می‌شوند، اما وقتی بازار کار بی‌ثبات است، صندوق‌ها نیز با خطر کمبود منابع و تهدید امنیت مالی میلیون‌ها بازنشسته و شاغل روبه‌رو می‌شوند.

نسبت پشتیبانی چگونه تغییر کرد

بازار کار و تأمین اجتماعی، دو ضلع جدایی‌ناپذیر اقتصاد کشورند که سلامت یکی، مستقیماً بر دیگری اثر می‌گذارد. در ایران، طی حدود هفت دهه فعالیت تأمین اجتماعی، قوانین و مقررات بیمه‌ای طوری طراحی شده‌اند که تقریباً همه شاغلان مشمول قانون کار تحت پوشش این سازمان قرار گرفته‌اند. این پوشش گسترده باعث شده هر شاغل بیمه‌پرداز، نه‌تنها آینده خود، بلکه آینده میلیون‌ها بازنشسته و مستمری‌بگیر را تضمین کند.

زمان تصویب قانون تأمین اجتماعی در سال ۱۳۵۴، نسبت پشتیبانی یک به ۱۲ بود؛ یعنی به ازای هر ۱۲ نفر بیمه‌پرداز، یک نفر از مزایای بازنشستگی استفاده می‌کرد. طی دهه‌های بعد و به دلایل متعدد، این نسبت به زیر ۵ کاهش یافت و از استانداردهای بیمه‌ای فاصله گرفت. با اجرای برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و بیمه‌پردازان، نسبت پشتیبانی برای مدتی بهبود یافت، اما در سال‌های اخیر دوباره کاهش یافته و به کمتر از ۴ رسیده است.

امروز بیش از ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بیمه‌شده در کشور وجود دارند که حدود ۱۲ میلیون نفر از آن‌ها بیمه‌پرداز اجباری شاغل در بازار کار هستند و ۵ میلیون نفر دیگر نیز از اقشار مختلف، منابع اصلی سازمان تأمین اجتماعی را تشکیل می‌دهند. در مقابل، حدود ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار بازنشسته و مستمری‌بگیر از خدمات این سازمان بهره‌مندند. این نسبت، در چارچوب معادله بیمه‌ای، حدود ۳.۹ است؛ یعنی در مقابل هر ۳.۹ نفر بیمه‌پرداز، یک نفر از سازمان حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کند.

با این حال، ناترازی در منابع و مصارف و رعایت نکردن محاسبات بیمه‌ای، بسیاری از صندوق‌های بیمه‌ای فعال کشور را با چالش روبه‌رو کرده است. به عنوان

عدم توجه به اشتغال پایدار و ادامه فرار بیمه‌ای، آینده صندوق‌های بیمه‌ای را به خطر می‌اندازد. کاهش منابع، افزایش هزینه‌ها و افت نسبت پشتیبانی، فشار مضاعف بر شاغلان و بازنشستگان، افت کیفیت خدمات بیمه‌ای و ناتوانی در پرداخت تعهدات بلندمدت، پیامدهای مستقیم این وضعیت است. کارشناسان معتقدند، تنها با اصلاحات ساختاری و اقتصادی، همراه با ایجاد اشتغال رسمی و گسترش

بیمه‌پردازی می‌توان ثبات مالی و پایداری تأمین اجتماعی را حفظ کرد. ارتباط میان بازار کار، اشتغال پایدار و نسبت پشتیبانی بیمه‌ای موضوعاتی پیچیده و جدی است و نادیده گرفتن این هم‌پیوندی صندوق‌ها را با بحران منابع و فشار مالی مواجه می‌کند. اقدامات دولت و سازمان‌های بیمه‌گر برای ارتقای اشتغال و بیمه‌پردازی شاغلان، کلید تضمین سلامت مالی و امنیت اقتصادی میلیون‌ها نفر در کشور است.